

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۶ جولای ۲۰۲۰



یونس نگاه

غیرت

غیرت چیست؟ غیرت چه رابطه‌ای با دین و ناموس و قوم دارد؟ چرا غیرت با خشونت و تعصب همراه است؟ چرا افغان‌ها این قدر درگیر رقابت غیرت‌اند؟ چگونه غیرت از خانواده تا قریه و ولایت و کشور از مردم ما قربانی می‌گیرد، آنان را بسیج می‌کند، به تلاش و مبارزه جمعی می‌کشاند، و بیشتر مواقع در پایان خیلی لنگولاش و ناامید به جای می‌گذارد؟

این متن، جواب سؤال‌های بالا نیست. تبصره‌ایست که به پاسخ سؤال "علی نظری وطن‌دوست" و در واکنش به سخنرانی حاجی حسن‌خان احمدزی نوشته‌ام. قصد داشتم در زیر پست آقای وطن‌دوست بگذارم، اما فیسبوک گفت که کمنت طولانی قبول نیست. اینجا گذاشتم.

برداشت ما از غیرت به وضعیت اجتماعی ما وابسته است. به همین دلیل اگر به‌فرض مردم شناخت بهتر از غیرت و اهمیت آن پیدا کنند، واکنش‌شان به خیلی از مسایل تغییر خواهد کرد و در نتیجه اوضاع نیز دگرگون خواهد شد. شما احتمالاً با این سؤال که غیرت چیست، می‌خواهید مخاطبان خود را دعوت کنید تا به تأثیر غیرت‌مندی بر موضع‌گیری آدم‌ها فکر کنند. سؤال شما مرا هم به فکر واداشت. برای پاسخ به آن در گوگل کمی جست و جو کردم و سخنرانی حسن‌خان احمدزی را دوباره با دقت شنیدم و نتیجه‌گیری‌ام این شد: غیرت نورم اجتماعی-مذهبی است که کارآیی سیاسی و اقتصادی فراوان دارد و در سه شکل غیرت دینی، غیرت ناموسی، و غیرت قومی-ملی دسته‌بندی می‌شود.

(۱) غیرت دینی. در اخلاق اسلامی غیرت و حمیت (جوان‌مردی) را باهم و مترادف به‌کار می‌برند. غیرت در اخلاق اسلامی سلاح مبارزه است و از آن به نیکویی یاد می‌شود. از کتاب علم اخلاق ملا مهدی نراقی نقل شده است که غیرت

در حالت مطلوب حاصل شجاعت و بزرگمنشی انسان و سبب مردانگی است. از امام صادق نقل شده است که خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد. به نقل از بحار الانوار، بزرگترین منبع حدیث در مذهب شیعه، امام علی گفته است که دل مؤمن بی‌غیرت سرچپه است یعنی دچار فساد و تباهی می‌باشد. در جوامع اسلامی از شعار یا نورم اجتماعی غیرت برای حفظ وضعیت موجود و سرکوب هرگونه تلاش برای تغییر استفاده می‌شود.

۲) غیرت ناموسی. غیرت صفت مردانه و نورم جامعه مردسالار است. از این‌رو غیرت و مردانگی را مترادف می‌دانند. غیرت ناموسی نیز ابزاری برای حفظ وضعیت موجود در رابطه مرد و زن است. آدم باغیرت کنترل شدید بر رفتار و گفتار و تماس‌های اقارب زن (همسر، خواهر، مادر، دختر و دیگران) اعمال می‌کند و از این طریق می‌کوشد هرگونه تلاشی را که برتری مرد بر زن را زیر سؤال ببرد، خنثی سازد. مرد باغیرت حق دارد زنی را که نورم پذیرفته‌شده غیرت را نادیده گرفته باشد مجازات کند و حتی بکشد.

۳) غیرت قومی-ملی. نشانه‌های غیرت قومی به‌خصوص در شرایط فعلی افغانستان فراوان دیده می‌شود. چند سال قبل جوان تحصیل کرده‌ای در یک جلسه چانه‌قومی که بر سر چگونگی شستن دیگ و کاسه محافل قومی بحث بود با عصبیت گفت: من حاضرم سرم را فدای قومم کنم، شما می‌گوئید دیگ قوم را چرا بشوئیم؟ غیرت قومی در میان اقوام حاکم و غیرحاکم وجود دارد و برای ایجاد اتحاد و تقابل قومی یا ملی استفاده می‌شود. آدم باغیرت قومی هرکسی را که به قوم خودش منسوب باشد برتر از افراد اقوام دیگر می‌داند، و در نزاعی که یکطرفش فرد یا گروه منسوب به قوم او باشد، دفاع از طرف قومی خود را واجب می‌شمارد. آدم باغیرت قومی هرگونه شادی قوم دیگر را غم می‌پندارد و از بدبختی اقوام دیگر شاد می‌شود.

دیگر این که مردم، پایداری و خطرپذیری را نیز غیرتمندی می‌خوانند. کسی که در رویارویی با سختی‌ها و خطرات منفعت مالی و جانی خود را بر آبروی اجتماعی و منافع جمعی (یا بهتر بگوئیم منافع بزرگان قومی خود) اولویت ندهد، آدم باغیرت حساب می‌شود. اگر یکی حاضر شود جانش را در دفاع از یک کلان یا زورگوی قومی فدا کند، مردم او را باغیرت می‌گویند، یا اگر حاضر شود آینده مالی خانواده و فرزندانش را برای شادی پدر یا مادر به‌خطر اندازد (مثلاً خانه‌اش را بفروشد تا پدر به حج برود یا فرزندانش را از مکتب کشیده به کار و دارد تا برای مادرش دندان مصنوعی بخرد) مردم او را آدم باغیرت می‌گویند.

انسان باغیرت محافظه‌کار است، تغییر را دوست ندارد، به گذشته‌ها بیشتر از آینده ارزش قایل است، خطرها را بیشتر از توان خود و بدون محاسبه عقلانی به دوش می‌کشد، یک‌دنده و متعصب است. مرد باغیرت مطلق اندیش است و آدم‌ها را به گروه‌های قومی، ملی، مذهبی و یا دینی خوب و بد تقسیم می‌کند. برای افغان باغیرت پاکستانی‌ها بدون تفکیک "دال‌خوران" بی‌تاریخ و ترسو و بی‌غیرت‌اند. برای ایرانی باغیرت عرب‌ها بدون تفکیک بدوی و آدم‌ناشدنی‌اند. برای ازبیک یا هزاره و تاجیک باغیرت، پشتون بی‌تاریخ و تروریست است و برای پشتون باغیرت ازبیک‌ها کله‌خام و هزاره‌ها کشتنی و تاجیک‌ها بی‌غیرت‌اند.

غیرت اگرچه معادل شهامت پنداشته می‌شود ولی ریشه در ترس دارد. آدم باغیرت روان پریشان دارد و همیشه با ترس زندگی می‌کند، چون زندگی واقعی هرگز با نورم‌های ذهنی آدم باغیرت سازگار نیست و او همیشه با اتفاقات عجیب و باورنکردنی روبه‌رو می‌شود. آدم باغیرت احساس ناامنی می‌کند و به اعضای خانواده (به‌خصوص زنان و جوانان) بدبین است، به هم‌قومی‌هایی که با نورم‌های انعطاف‌ناپذیر غیرت او زندگی نمی‌کنند و به هم‌وطنانی که "نگرانی‌های" او را درک نکرده به راه‌های "فساد" گام می‌گذارند، نیز بدبین است.

آدم باغیرت قربانی است و به آسانی از سوی دلایان مذهب، قوم و سنت فریب می‌خورد و به سربازی رایگان تن می‌دهد. آدم‌های باغیرت به آسانی بسیج می‌شوند، با ایمان کامل و صمیمیت خالص جان‌فشانی می‌کنند، و بیشتر مواقع بعد از مدتی جان‌فشانی اگر زنده ماندند ناامید و سرشکسته می‌شوند. بیشتر کسانی که از غیرت مردم استفاده می‌کنند، خود به غیرت باور ندارند و بسیار زیرک و استفاده‌جو می‌باشند و به آسانی جبهه تبدیل می‌کنند. مدیران غیرت توده‌ها، خود دوست و دشمن دائمی ندارند. سربازان جنگ غیرت، به ندرت در کشوگیر جنگ غیرت هوشیار می‌شوند و دست از سربازی بر می‌دارند، اما بیشتر مواقع نابود می‌شوند و یا لنگ و لاش به جای می‌مانند. لشکر مجاهدین گرسنه و معیوبی که در سراسر افغانستان یا خود از بی‌وفائی رهبران و قومندانان خود می‌نالند و یا فرزندان‌شان از فریب رهبران پدران گله دارند، شاهدند.

غیرت دینی، ناموسی و قومی با دمکراسی و آزادی سازگار نیست. حاجی حسن خان احمدزی نمونه آدم باغیرت است. او دین، قوم و ناموس را در سخنرانی جنجالی اخیرش یکجا و بسیار شنیدنی مطرح کرد. در آغاز سخنرانی گفت "از خداوند می‌خواهم که همیشه این‌گونه در جلسات شرکت کنید". بعد، بارها مردم را به خدا و قرآن و دین سوگند داد تا برای دفاع از حق و غیرت خود برخیزند. حق و غیرت در سخنان حسن‌خان جداناپذیراند. او لباسش را که نماد غیرت اوست، در آورده فریاد زد که حقوق او و قومش را، که در عین حال غیرت او و قومش است، به اقوام دیگر داده‌اند و پشتون‌ها بی‌حق (و در عین حال بی‌پرده) شده‌اند. او از شروع تا پایان سخنرانی بارها مخاطبانش را به حفظ غیرت دینی دعوت کرد و مخالفان درون قومی‌اش (مثل غنی و محب) را کافر و عیسوی و فاسق و بی‌ناموس و کوری گفت. حاجی حسن خان غیرت ناموسی را نیز در سخنرانی‌اش بخوبی تمثیل کرد. او بارها از زنان با کلمات تحقیرآمیز استفاده کرد و حتی کلمه مادر را که در جامعه سنتی ما مقدس خوانده می‌شود، چند بار بسیار سبک و توهین‌آمیز (مور..سی) برای تحقیر دمکراسی به‌کار برد.

گپ دیگر این‌که غیرت هر چند بیشتر مظاهر دینی، فرهنگی و سنتی دارد، اما ابزار سیاسی و اقتصادی است. "نخبگان" و مدیران غیرت و آنانی که هنر برانگیختن غیرت توده‌های قومی، دینی و جنسیتی را دارند، در زبان به ندرت امیال اقتصادی و سیاسی خود را رک و بی‌پرده بیان می‌کنند اما با کمی دقت می‌توان به نیات آنان پی برد. حسن‌خان در جامعه یک سرکرده باغیرت در بخش پایانی سخنرانی‌اش این سه جمله را که خلاصه قاموس غیرت است، در فاصله چند ثانیه، پشت هم گفت:

۱. ما امروز از رئیس جمهور حق می‌خواهیم، مثل نر می‌خواهیم، مسلمانیم (به کلمات حق، نر و مسلمان توجه کنید).
۲. ما از سرومال تیریم. ما مؤمنان این‌جا گردهم آمده‌ایم، بی‌ایمان نیستیم (قربانی سر و مال، ایمان ظاهراً این تصور را زنده می‌کند که حسن‌خان مسلمان مبارز است و هیچ خواست مادی ندارد).
۳. دموکراسی و مور..سی را قبول داریم ولی حق می‌خواهیم (او بی‌وقفه خواست اصلی‌اش را که سیاسی و مادی است آشکار کرد).

حسن‌خان، مدافع ناموس و دین و قوم، در پایان سخنرانی خود می‌گوید اگر منافع اقتصادی و سیاسی ما (شاید تنها خود او و خانواده‌اش) تأمین شود منافع دین، ناموس و قوم هم تأمین است. اما، مشکل در این‌جاست که آدم‌های عادی و ساده باغیرت به آسانی مقاصد اصلی دلایان غیرت را نمی‌فهمند و چنان دچار احساسات می‌شوند که چشم و گوش‌شان کار نمی‌کنند. سربازی که لباس اردوی ملی داشت نیز احساسات خود را کنترل نتوانست و برای او چک‌چک کرد و نعره تکبیر گفت. حتی خانمی که نزدیک تریبون نشسته بود و بارها به زنانگی‌اش توهین شد و از اندام‌های جنسی‌اش با سبکی و زشتی یاد گردید، اعتراض نکرد.

حسن‌خان، خلاف آنچه از پیرمرد سنتی انتظار می‌رود، بارها دشنام‌های رکیک جنسی (مور..سی، بی‌ناموس، کو...تیزن) را در کنار نام خدا و قرآن و قوم بلند و غرا فریاد کشید، اما هیچ‌کس از میان آن جمع اعتراض نکرد که جناب حسن‌خان احمدزی حرمت مجلس را نگهدار و حداقل اندام جنسی مادران ما را اینجا ابزار نساژ. روشن‌فکران و قلم‌په‌دستان نیز کمتر سخنان حسن‌خان را درک کردند و به ندرت به گفته‌های او که نماد نادر غیرت است، بدون حب و بغض اندیشیدند. تعدادی حسن‌خان هزاره و تاجیک شدند و درمورد "کون بابا" غزل و دوبیتی سرودند، تعدادی از آن مرد نادان، قهرمان عدالت‌خواهی تراشیدند و عکس و نقاشی‌تن عریانش را در پروفایل خود نشر کردند.

حسن‌خان در آن سخنرانی کوتاه‌ش روشن‌تر از کتاب‌های دانشگاهی و دقیق‌تر از تحقیق‌های انجمنی ذهنیت آدم باغیرت مقیم کابل را در سال ۲۰۲۰ میلادی آشکار ساخت. سخنرانی او منبع آموزنده برای علاقه‌مندان جامعه‌شناسی، سیاست، جنگ و منازعه است. می‌توان از سخنان او کتاب درسی نوشت.